



تطبیق بدهد و قواعد جزئی را به تفصیل استخراج کند، به وحی محتاج است. علاوه بر این، باید در نظر داشت که به‌طور عمده عقل در مسائل نظری ووحی در مسائل عملی حامل اجرای ارزش‌های اخلاقی هستند.

اصل اول

تفکر اخلاقی و تعبد اخلاقی در هم تنیده شده‌اند

عقل با تقویت اندیشه اخلاقی، می‌تواند اصول کلی فضیلت‌ها و رذیلت‌ها را شناسایی کند، ولی از آنجایی که اصول نمی‌توانند مشخص‌کننده تمام مصادیق فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی باشند، وحی با تقویت روحیه تعبد و تسلیم در برابر فرامین خدای متعال، قابلیت تشخیص تمام مصادیق و موقعیت‌های خوب و بد را به انسان می‌دهد و به‌این ترتیب، در سیره پیامبر (ص)، تعبد بدون درک و فهم اخلاقی، به خرافاتی گری و تحجر منجر خواهد شد و اندیشه اخلاقی بدون تعبد، نتیجه‌ای جز لاپالایی‌گری و گمراهی نخواهد داشت. به‌این ترتیب، متربی به چیزهایی متعبد خواهد شد که هم از نظر عقل، هم از نظر شرع پسندیده‌اند.

روش اول

تیین ارزش‌ها به‌منظور شکل‌گیری بصیرت اخلاقی

انسان به‌طور ذاتی خواستار خوشبختی است و فقط به‌دلیل جهل و نادانی در تشخیص است که به رذیله‌های اخلاقی دچار می‌شود و به دام شقاوت می‌افتد. در سیره پیامبر (ص)، علاوه بر اینکه به رشد اندیشه‌ها و گرایش‌های صحیح اخلاقی توجه‌شده، به تقویت عادات مطلوب اخلاقی نیز، به‌عنوان روشی برای تربیت اخلاقی توجه‌مبذول شده است.

روش دوم

مبارزه با هوای نفس

انسان به‌طور ذاتی مایل به گرایش‌های نفسانی‌ای است که در او شکل گرفته‌اند، هر چند این گرایش‌ها با اصول اخلاقی در تضاد باشند. در سیره پیامبر (ص)، مربی با وادار کردن متربی به رفتارهای اخلاقی، به‌تدریج خلق‌خوی او را تغییر می‌دهد و جهت گرایش‌های نفسانی او را با فضایل اخلاقی همسو می‌کند. به‌این ترتیب متربی به‌تدریج، بدون فشار عامل بیرونی، مایل به فضایل اخلاقی و گریزان از رذایل می‌شود.

مبنای دوم

هماهنگی دین و اخلاق

رابطه اخلاقی و دین در سیره پیامبر(ص)، یک رابطه و پیوند ناگسستنی است. اخلاقی و به‌عبارتی فضایل و رذایل اخلاقی، همواره به‌عنوان بخشی از دین مطرح است (زیرادین علاوه بر بُعد اخلاقی، ابعاد فقهی، سیاسی و اعتقادی هم دارد) و دین نیز به‌عنوان پایه و بنیاد اخلاقی شناخته می‌شود، اما حقیقت این است که اخلاق همان دین است و هدف دین، چیزی جز تهذیب اخلاقی نیست. درواقع اخلاقی و دین به هیچ‌عنوان منفک از یکدیگر نیستند؛ یعنی همان‌گونه که روح توحیدی در میان تمام آموزه‌های اخلاقی پیامبر (ص) جاری و وساری است، روح آموزه‌های اخلاقی نیز بر تمام اجزای دین او سایه انداخته است. یعنی همان‌طور که دین می‌تواند به‌عنوان پشتوانه اخلاقیات، ضامن آنها باشد، اخلاقیات نیز به‌عنوان یک حامی، حافظ دین هستند.

اصل دوم

تربیت اخلاقی و تقویت دینی در هم تنیده شده‌اند

در سیره پیامبر (ص)، تربیت اخلاقی، هم نشأت‌گرفته از آموزه‌های دینی است، هم به‌عنوان بخشی از تربیت دینی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این معناست که پیامبر اکرم(ص) از عملکردهای اخلاقی‌ای که

پیامبر اکرم(ص)

به‌منظور از میان بردن

رذیلت‌ها و پرورش

فضیلت‌های اخلاقی،

با برخی روش‌ها به

آموزش اصول و مبانی

اخلاقی پرداخته‌اند و

به‌این ترتیب در جهت

تربیت اخلاقی متربیان

خود حرکت کرده‌اند.

تمام این اصول بر

مبنای باورمندی به

خدای متعال شکل

گرفته‌اند، بنابراین

ماهیتی توحیدی

دارند؛ در نتیجه

اصلاح حیات دنیوی

و اخروی انسان، فقط

در سایه اصلاح رابطه

او با خدا و به‌عبارتی،

اصلاح اصول اخلاقی

اوست که صورت

می‌پذیرد

دارد به‌عنوان وظیفه‌دینی یادمی‌کند و به‌هیچ‌عنوان آنها را چیزی مستقل و مجزا از دین نمی‌داند. به‌همین ترتیب می‌توان تربیت اخلاقی در سیره این حضرت را همان تربیت دینی دانست که در ضمن تربیت دینی و نه جدای از آن، صورت می‌گیرد؛ تربیتی که بدون تربیت دینی عقیم است و نمی‌تواند ثمره لازم را داشته باشد.

روش اول

پاک کردن محیط از مظاهر فساد

انسان به‌طور ذاتی برای تأمین نیازهای خود، نیازمند ارتباط با محیط است و به‌طور طبیعی از این محیط تأثیر می‌پذیرد، یعنی اگر محیط پیرامونی اش سالم و صالح باشد، به فضایل اخلاقی و اگر ناسالم و ناپاک باشد، به رذایل گرایش پیدا خواهد کرد. به‌این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که اگر محیط سالم نباشد، تربیت اخلاقی نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. توجه به سیره پیامبر (ص) نشان می‌دهد که ایشان به‌وسیله زدودن عوامل نامناسب و برطرف کردن موانع از محیط، درصد فراهم کردن محیط مناسب برای تربیت اخلاقی بوده‌اند.

روش دوم

امر به معروف و نهی از منکر

انسان به‌طور ذاتی درصد تقلید از اطراف خود و در تلاش برای هم‌رنگ کردن خود با جامعه پیرامون خودش است. به‌این ترتیب هر چه ارزش‌های اخلاقی در یک جامعه، ظهور و بروز بیشتری داشته باشد و به‌عبارتی جو اخلاقی بر جامعه حاکم باشد (نه بر مبنای اعمال فشار و زور، بلکه براساس رضایت و میل قلبی)، تربیت اخلاقی افراد نیز آسان‌تر و عمیق‌تر خواهد بود. بر همین اساس است که در سیره پیامبر (ص) مشاهده می‌شود ایشان پیوسته درصد ایجاد یک فضای اخلاقی در جامعه بوده‌اند تا به‌وسیله آن بتوانند فضایل و رذایل اخلاقی را در افراد درونی کنند.

مبنای سوم

هماهنگی حسن فعلی و حسن فاعلی

فعل اختیاری انسان، زمانی می‌تواند ارزش و فضیلت اخلاقی پیدا کند که از دو جزء حسن فعلی (صالح بودن عمل) و حسن فاعلی (صالح‌بودن انگیزه فاعل عمل)، بر خوردار باشد. این دو جزء، با ارزش‌بخشیدن به عمل می‌توانند در کمال انسان و به‌عبارتی در تقرب او به خدای متعال نقش داشته باشند. این مهم در سیره پیامبر (ص) نیز این‌گونه مورد توجه قرار گرفته که پیروی از فرامین خدای متعال، تنها راه دستیابی به سعادت، خوشبختی و کمال است. به‌این ترتیب تمام فرامین الهی که تحت عنوان دین اسلام عنوان شده‌اند (از جمله دستوره‌های اخلاقی)، اگر با توجه به حسن فعلی و حسن فاعلی صورت بگیرند، همگی در راستای سعادت و کمال انسان‌اند و او را به خدا نزدیک می‌کنند.

اصل سوم

انگیزه و عمل در هم تنیده شده‌اند

تمام اعمال در سیره پیامبر (ص) علاوه بر ظاهر آشکاری که دارند، از یک باطن نیز برخوردارند. براین اساس ارزش اعمال در این است که علاوه بر ظاهر خوب، از باطن نیکو هم برخوردار باشند. با این اوصاف، یک عمل ظاهری خوب که بدون روح و باطن نیکو صورت گرفته، درست به‌اندازه یک عمل با روح خوب و نیکو که با ظاهر بد صورت گرفته، زشت و ناپسند است. جز این، باطن نسبت به ظاهر نقش پررنگ‌تری در ارزشمند کردن عمل دارد و بر همین اساس است که در سیره پیامبر (ص)، به‌شدت بر اصلاح نیت اشاره شده است.

۱۵	چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲	شماره ۴۴۳	www.hammihanonline.ir
مهیمن			

روش اول

تحریک ایمان و تقویت دینی متربیان

انسان به‌طور ذاتی نسبت به انجام عملی گرایش پیدا می‌کند که به آن ایمان و اعتقاد دارد. در سیره پیامبر (ص) به‌کرات مشاهده می‌شود که با تحریک ایمان و باور متربیان، آنان را به سمت انجام رفتارهای اخلاقی سوق داده یا از رفتارهای ضد اخلاقی بازداشته است.

روش دوم

پرورش شوق به کسب فضیلت و ترک رذیلت

انسان به‌طور ذاتی نسبت به انجام کاری که از آن سود می‌برد، راغب است و از انجام کاری که موجب ضرر و زیانش می‌شود، گریزان است. در سیره پیامبر (ص)، مربی با پرورش گرایش متربی به کار نیک و ایجاد نفرت و کراهت در او نسبت به کار زشت، او را نسبت به انجام فعل اخلاقی صحیح مشتاق می‌کند و از ارتکاب افعال ناشایست باز می‌دارد. درواقع سود و زیان، سرچشمه ایجاد میل و کراهت و در نتیجه مقدمه انجام فعل اخلاقی شایسته و ناشایسته می‌شوند.

اخلاق منهای دین؟

در دوران سنت، دین و اخلاق با هم زیسته‌اند، اما از دوره رنسانس در جهان غرب که به‌تدریج نقش دین در صحنه روابط انسانی کم‌رنگ شد و تلاش‌هایی از برخی متفکران غربی در کنار نهادن دین از صحنه جامعه صورت گرفت، این پرسش اساسی مطرح شد که: «آیا طرد دین و جهان‌بینی دینی مستلزم کنار نهادن اخلاق هم هست یا اینکه اخلاق مبنایی مستقل از دین دارد که خاموشی چراغ و فروغ دین، چیزی از روشنایی اخلاق نمی‌کاهد؟» رویکردهای متفاوتی در این زمینه وجود دارد که باید طبق آن به پاسخ سوال طرح‌شده پرداخت:

۱- در این مقاله برای پاسخ به این پرسش، به مبنای و اصول اساسی تربیت اخلاقی پیامبر (ص) و روش‌های ایشان پرداخته شد. تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص)، با تکیه بر آموزش اصول و روش‌های اخلاقی و پرورش فضایل اخلاقی صورت گرفته است. در این سیره، اخلاقی و تربیت اخلاقی برآمده از باور به خدای متعال و کاملاً همه‌جانبه و چندبعدی است و در نتیجه می‌تواند افرادی را پرورش دهد که قادرند در هر حال، و وظیفه اخلاقی خودشان را تشخیص بدهند و در راستای آن عمل کنند. در مقام تبیین اخلاق مبتنی بر دین، باید گفت که ارائه یک نظام اخلاقی، تابع جهان‌بینی خاصی است که در آن نظام اخلاقی پذیرفته شده و می‌دانیم که طبق جهان‌بینی دینی، کمال انسان در رسیدن به خداوند و تقرب الی الله است؛ از این رو عملی اخلاقی خواهد بود که انسان را در رسیدن به این هدف یاری کند. طبیعی است که اگر هدف انسان رسیدن به خدا باشد، باید اخلاق او هم خدایی باشد و چه در اصل این اخلاق و چه در جزئیات آن از منبع وحیانی و الهی بی‌نیاز نخواهد بود.

۲- اما بر خلاف نگاه دینی، جوامع غربی این بحث به‌صورت گسترده‌ای مطرح می‌شود و پیشینه تاریخی آن سه تحولاتی بر می‌گردد که بعد از رنسانس اتفاق افتاد؛ چراکه تا قبل از رنسانس، دین رایج در آن دیار که همان مسیحیت بود، بر همه شئون زندگی مردم از جمله علم، فرهنگ، اجتماع، اخلاقی و سایر مسائل حاکم بود و با شکست کلیسا در صحنه‌های مختلف، مردم نیز از دین و گرایش‌های دینی بیزار شدند و به‌جای گرایش به خدا، گرایش به انسان‌مداری (اومانیزم) مطرح شد و کم‌کم این فکر به‌وجود آمد که می‌توان اخلاق را جدای از دین مطرح کرد. این فکر به‌تدریج قوت گرفت تا در قرن‌های اخیر به‌طور رسمی اخلاق منهای خدا را مطرح کردند.

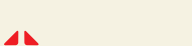
گرامافون					



روایت متفاوت از موسیقی ایرانی

آخرین نتال / آنسامبل زوله

«آخرین نتال» عنوان یکی از تازه‌ترین آثار منتشرشده در فرآیند تولید و ارائه محصولات موسیقایی است که به آهنگسازی نیما گوران اوربمی و نوازندگی آنسامبل «ژوله» پیش‌روی مخاطبان قرار گرفت. علی‌عابدین نوازنده سننور، مسعود آزین نوازنده تار، سهیل کاکاوند نوازنده تارپاس، یاسمین شاه‌حسینی نوازنده عود، علیرضا دریایی نوازنده کمانچه و کیمیا نیک‌پور نوازنده قیچک، گروه اجرایی آنسامبل «ژوله» در این اثر موسیقایی را تشکیل می‌دهند. نیما گوران اوربمی در توضیحات تکمیلی این اثر آورده است: «این سوئیت در پنج موومان براساس روایات ذهنی من از موسیقی ایران ساخته شده است. اینکه چه‌مقدار از فحوای موسیقی مان امانتداری شده، موضوع اثر نیست بلکه همان‌طور که اشاره کردم برداشت‌های ذهنی من در سال‌های متمادی است.»



نمونه‌ای آموزشی برای ساز عود

ردیف میرزاعبدالله برای عود/ بزمان تدین

آلبوم «ردیف میرزاعبدالله برای عود (براساس کتاب استاد داریوش طلائی)»، با عودنوازی بزّمان تدین اثری است که به‌تازگی توسط نشر ماهور منتشر شده است. درباره این اثر، به قلم بزّمان تدین چنین می‌خوانیم: «ردیفی که می‌شنوید براساس کتاب تحلیل ردیف میرزاعبدالله، نگارش استاد داریوش طلائی و با عود اجرا شده است. در اجرای این ردیف، آگاهانه، سلیق و برداشت‌های شخصی را کنار گذاشته‌ام و نیز تا حد ممکن آن را با زمان‌بندی کندتری اجرا کرده‌ام. هدفم از این کار اجرای نمونه‌ای آموزشی برای ساز عود، مخصوصاً برای نوازندگان و محققان غیرایرانی در خارج از کشور بوده است، ولی از آنجایی که هنوز ردیفی از میرزا عبدالله با این ساز در ایران منتشر نشده، تصمیم به انتشارش گرفتم. در اجرای این ردیف از یک عود کلاسیک عربی استفاده کرده‌ام تا صدای آن برای غیر ایرانیان نیز آشنا باشد.»



اثری از آهنگسازان نوجوان

نوای نو ۲ / آثاری از آهنگسازان کودک و نوجوان

آلبوم «نوای نو ۲»، با آثاری از آهنگسازان کودک و نوجوان توسط نشر ماهور منتشر شد. هنرمندان این آلبوم پندار عظیمی (نوازنده‌ی پیانو در قطعات آوازی)، امیرمهییار تفرشی‌پور (نوازنده‌ی پیانو در قطعات سازی) و هامون هاشمی (خواننده) هستند. درباره این اثر چنین می‌خوانیم: «نوای نو، مجموعه‌ای از آثار آوازی براساس جشن نوروز و آثار سازی الهام‌گرفته از بناهای تاریخی و طبیعت ایران است که توسط آهنگسازان نوجوان و براساس تفکر، احساس و تخیل ایشان خلق شده است. این ملودی‌ها و ریتم‌ها نشانگر قدرت آفرینندگی و تجسم خلق و با درک و شناختی که در گذر زمان و در طول دوره‌های آموزشی این آهنگسازان جوان پدید آمده، شکل گرفته‌اند.» این آلبوم شامل ۱۸ قطعه است.

^[1] اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری اهواز